



در اسلام علاوه بر حقوق تن باید به حق روح و روان هم توجه کرد

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی گفت: در حقوق بشر اسلامی بشر باید حق نفس خودش را ادا کند در حقوق عبادات است که داریم الصلاة معراج المومن یعنی انسان باید با نماز به معراج برود.

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی گفت: در حقوق بشر اسلامی بشر باید حق نفس خودش را ادا کند در حقوق عبادات است که داریم الصلاة معراج المومن یعنی انسان باید با نماز به معراج برود. این مسئله در حقوق بشر اسلامی تأکید فراوان شده، یعنی انسان باید به روح و روان و جان خودش مثل تن خودش رسیدگی کند چیزی که در حقوق بشر غربی آن را نمی بینیم. دکتر علی محمد صابری، استاد گروه فلسفه دانشگاه فرهنگیان در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه با توجه به اختلاف اسلام با اندیشه های غرب درباره حقوق بشر و اهمیت تبیین دیدگاه اسلام درباره مبانی و اصول حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی را تبیین کنید، گفت: حقوق بشر اسلامی بر مبنای وحی الهی است. همان چیزی که خداوند در قرآن به پیامبرش دستور داده است. همچنین سنت پیامبر و ائمه معصومین(ع) و رفتار و گفتارشان برای ما ملاک است. یعنی کلام الهی است که بر حق است و کلام معصوم است که آن هم برای اینکه عصمت کامل دارد کاملاً بر حق می باشد.

وی افزود: حقوق بشر اسلام حقوق بشری نیست که بشر عادی به دست خودش نوشته باشد و صرفاً مصالح ظاهری خودش را در نظر بگیرد و مصالح واقعی را در نظر نگیرد. حقوق بشر اسلام مصالح حقیقی جوامع بشری و مسلمانان را در نظر می گیرد که هیچ مفسده ای وارد این جامعه نشود. به عنوان مثال مسئله عفت و پاکدامنی یکی از اصول اخلاقی اسلام و حتی بشر است، در حقوق بشر اسلامی ذکر شده و اسلام بر آن تأکید دارد. اما در اینکه این عفت و پاکدامنی به چه شکلی باید حفظ شود و یا مسئله حجاب که با عفت ارتباط پیدا می کند به چه رنگی این حجاب و پوشش باشد اسلام در این باره سختگیری نمی کند یعنی نوع و رنگ پوشش را به آن قوم و فرهنگ ارجاع می دهد. ولی اصل پوشش عورت و عفت و خویشتنداری مورد تأکید اسلام است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی تصریح کرد: نباید انسان، نفس را آلوده به شهوات کند. اسلام آزادی را به عدم تجاوز به حقوق حقه انسانی مقید می کند. به یک معنا آزادی مقید به عدالت، عدالت انسانی است. یا برای مثال قصاص را باعث حیات جامعه اسلامی می داند. زیرا اگر قصاص نباشد قاتلین و اراذل و اوباش جری می شوند. در کنار اینکه اسلام می گوید بهتر است قبل از قصاص عفو کنید و از گناه قاتل بگذرید عفو از مقابله به مثل بهتر است. و بعد می فرماید خشم خود را فرو ببر و آن را ببلع و حتی در درجه آخر می فرماید احسان هم بکن حتی احسان هم به بد کننده خودت بکن.

وی تأکید کرد: در مورد آزاد کردن برده ها، این اسلام بود که اول از همه برده داری را از بین برد. بعضی ها این تهمت را به اسلام می زنند که اسلام برده داری را رواج داد اولاً آمریکا 400 سال است که کشف شده و لغو برده داری هم از 200 سال قبل با فرمان آبراهام لینکن انجام شد ولی اسلام با برده داری مخالف بود ولی از اول نمی توانست با رسم و رسومات عرب ها مقابله کند. فرمود اگر روزه نگرفتید و یا خطای دیگری از شما سر زد برده یا کنیزان خود را آزاد کنید و برده و کنیزی که آزاد می شد دیگر نمی توانست به جرگه بردگان در بیاید. این چنین بود در طی یک قرن برده داری به صفر رسید و اسلام تمام آثار برده داری را زدود. این مبانی حقوق بشر اسلامی است.

این نویسنده و محقق تصریح کرد: اما اگر ما با شمشیر خشونت برخورد کنیم و عقاید و اعتقادات دیگران را زیر سوال ببریم این مردود است. قانون اساسی ما هم آزادی عقیده و حرمت برای اهالی عقیده قائل شده است. اینکه عده ای با نام اسلام عقاید مخالف خود را بر نمی تابند این دیگر به اسلام بر نمی گردد بلکه به دستگاه های حکومتی و سیاسی بر می گردد. حقوق بشر اسلام کاملترین حقوق بشر است.

این استاد دانشگاه فرهنگیان در مورد اینکه علل اختلاف غرب با اسلام در بحث حقوق بشر ناشی از چیست هم عنوان کرد: تفکر غربی اینچنین است که حقوق اجتماعی باید به دست بشر نوشته شود و خیال کردند که اسلام و ادیان دیگر تأثیری در رفتار و گفتار انسان ندارد چنین است که کاملاً قوانین دینی را از زندگی اجتماعی خود خارج کردند و تدوین حقوق دیگری را بر اساس مطلوبات و خواست های مردمی در آوردند. ولی در اسلام به صرف امیال و خواست ها و هوسهای مردم نگاه نمی کند می فرماید حلال محمد تا قیامت حلال است و حرام او تا قیامت حرام است. البته در زمان اضطراری حتی خوردن گوشت مرده هم حلال است. منتها نمی گذارد مفسده ای وارد جامعه دینی شود.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: یا برای مثال اسلام زنا را حرام می کند، زیرا اولاً اگر این عمل حرام نمی شد بقای نسل و شجره نامه ها و ریشه ها و اصل و نسب های بشری همه از بین می رفت. اسلام می خواهد نسل ها و اصل و نسب ها از بین نرود. در جوامع غربی می بینیم که بسیاری از اصل و نسب ها بهم خورده است. خانواده غربی از هم پاشیده است و رشد جمعیتشان حتی به زیر صفر رسیده است یعنی با انقراض نسل روبرو هستند. برای اینکه به این مسائل خیلی ساده توجه نکردند رعایت نکردن همین مسائل ساده و پیش پا افتاده بنیانهای خانواده را از بین می برد. اما در جوامع مسلمین خانواده خیلی اهمیت دارد و هنوز در جوامع اسلامی خانواده ها دچار آن طوفانی که در جوامع غربی شد نشده اند. اگر

در جامعه مدرن امروز، ما هم راه غرب را برویم دچار این زلزله خانوادگی هم می شویم.

این استاد دانشگاه فرهنگیان اظهارداشت: هر چیزی که در حقوق بشر اسلامی داریم برای احیای فرد و جامعه اسلامی است که تمام مصالح و منافع فرد و جامعه در نظر گرفته می شود. اینها بر اساس حسن و قبح عقلی هم است، یعنی عقل تأکید می کند که چه عملی حسن و خیراست و چه عملی قبیح است. یعنی از نظر عقلی هم تأیید شده است. حسن و قبح عقلی دارد. حتی شرابخواری و روسپی گری با اینکه در قوانین غربی آزاد است اما غربیان عملاً از روسپیگری و شرابخواری و قمار بازی خوششان نمی آید و آنها را به گوشه ای رهنمون می سازند. بنابراین آنها هم عملاً حقوق بشر اسلامی را تأیید می کنند و می دانند که این موارد نفعی برای فرد و جامعه ندارند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی در مورد اینکه در چه حوزه هایی بحث حقوق بشر در اسلام مورد تأیید است و در چه حوزه هایی خط قرمز وجود دارد هم عنوان کرد: در حقوق بشر اسلامی آزادی عقیده وجود دارد. اعتقادات باید بیان شود. این مطلب را در قانون اساسی خودمان هم داریم. غربی ها ایراد می گیرند که اسلام در اعتقادات خط قرمز دارد به هیچ وجه، اسلام در اعتقادات خط قرمز ندارد. یعنی اعتقادات برای اینکه جزو اصول دین است و اینکه در عقیده چقدر سلوک فکری و معرفتی و عملی داشته باشیم و چقدر خدا را شناخته باشیم از خود فرد شروع می شود. اینکه چقدر خود را شناخته باشیم کسی متوجه آن نمی شود. کسی نمی تواند به اعتقادات یک فرد ایرادی بگیرد و بگوید عقیده یا ایمانت ضعیف است. زیرا همه به آن مبدأ اصلی اعتقاد دارند و ما از عقاید دیگران با خبر نیستیم.

صابری اظهارداشت: اسلام روی آزادی عقیده صحنه می گذارد و حتی به پیغمبرش فرمود "لکم دینکم و لی الدین" یعنی به آنها بگو که آنها به دین خودشان و ما هم به دین خودمان. یا لا اکراه فی الدین، ایمان به زور وارد قلب های انسانها نمی شود. هیچ اجباری در این پذیرش نیست. غربی ها بی مورد در این خصوص ایراد می گیرند. در اسلام اندیشه و تفکر آدمی مدام در حال تکامل است و هیچ خط قرمزی در مورد عقیده وجود ندارد. در غرب عقل را از وحی جدا می کنند اما در اسلام امام صادق (ع) می فرماید عقل آن است که تو را به بندگی خدای رحمان در آورد و بهشت را به دست بیاوری. یعنی آن عقل تحقیقی و پایان بینی که جلو می رود تا حقیقت را کشف کند. اما عقل غربی یک عقل مصلحت اندیش است که بر اساس منافع خودش تصمیم می گیرد که دیگر ریشه آسمانی ندارد.

وی در مورد تفاوت اصلی نگاه اسلام به حقوق بشر با غرب گفت: حدود آزادی ها در غرب و اسلام تفاوت ایندو جوامع است. آزادی در اسلام بی قید و بندی و ولنگاری معنا نمی شود حتی در لیبرالیسم غربی در یک دوره کوتاهی آزادی را به عنوان بی قید و بندی و ولنگاری تعریف کردند وگر نه در غرب هم آزادی را با ولنگاری مساوی نمی دانند. آزادی در اسلام با ریشه حق و تکلیف ارتباط دارد آزادی به این معنی که هر فردی دارای حقی و حقوقی است و در برابر آن حقی که خداوند قرار داده تکلیفی انجام داده است. این بشر در مورد دوستان و اطرافیانش صاحب حقی است و همچنین صاحب تکلیف است اگر این حق ادا شود آزادی تأمین شده است، یعنی حق و در مقابلش تکلیف هم باید انجام شود. یعنی حق در کنار تکلیفی است و اگر حق ادا نشود آزادی هم تأمین نشده است، یعنی هر چیزی باید در جای خودش نشانده شود. یعنی آزادی با عدالت و حق هم معنا است که هر چه در سر جای خودش نشانده شود و چیزی از سر جای خودش خارج نشود.

این استاد دانشگاه یادآورشد: یعنی به کسی نه ظلم شود و نه کسی ظلم ببیند یعنی در حد افراط و تفریط چیزی قرار نگیرد همه چیز در حد اعتدال باشد. اینچنین آزادی در اسلام تأمین می شود. همین است که اسلام می گوید ما شما را قبیله قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید و با همدیگر محبت کنید و حقوقی که بر دوش شماست آنها را ادا کنید. هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا.

صابری بیان کرد: آزادی به معنای اینکه امنیت نیاورد آزادی نیست. آزادی ای که از حق و تکلیف دور شود نمی تواند امنیت بیاورد. آزادی زمانی می تواند برای بشر امنیت بیاورد که با حق و تکلیف سازگار باشد.

وی افزود: یکی دیگر از تفاوت ها، در تعلیم و تربیت غربی و اسلامی است. در حقوق بشر غربی، تعلیم و تربیت بر اساس یک آموزش رسمی و فئونی است که صورت می گیرد. اما در اسلام تعلیم و تربیت که حق همه انسانهاست بر مبنای صرفاً آموزش رسمی نبوده، اول بر مبنای تزکیه و تهذیب نفس است. تزکیه و تهذیب نفس مقدم بر تعلیم است. یعنی تا تزکیه و تهذیب نفس نباشد آموزش معنا ندارد. اسلام به این حق اساسی بشر تأکید دارد. تا تزکیه و تهذیب نفس نباشد سیر و سلوک حقیقی و معنوی بشر صورت نمی گیرد و تا سلوک روحی نباشد تعلیمی صورت نمی گیرد.

این محقق و پژوهشگر حوزه عرفان اسلامی عنوان کرد: بنابراین حقوق بشر اسلامی به پرورش روح انسانها و تربیت روحانی آنها و غذایی برای روح داشتن بسیار توجه می کند. در کل اصول حقوق بشر اسلامی نمی خواهد که بشر از حقیقت جویی باز بماند و مثل یک حیوان چارپا زندگی کند. بلکه باید به جایی برسد که به تعالی حقیقی و باطنی برسد. در حقوق بشر اسلامی بشر باید حق نفس خودش را ادا کند در حقوق عبادات است که داریم الصلاة معراج المومن یعنی انسان باید با نماز به معراج برود. این مسئله در حقوق بشر اسلامی تأکید فراوان شده یعنی انسان باید به روح و روان و جان خودش مثل تن خودش رسیدگی کند چیزی که در حقوق بشر غربی آن را نمی بینیم.